

بررسی و شناخت اقسام و ویژگی های المان های شهری

(تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۰۶/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۰/۰۲/۱۲)

شهناز صالحی

چکیده

قابلیت زندگی، هویت، اصالت و فرصت های شهری از خصوصیات مثبت محیط شهری است که باید در خدمت فرد، شهروند و واحدهای کوچک اجتماعی قرار گیرد. ساختار شهر بایستی به طور مستقیم از طریق نهادها و به طور نمادی از طریق فضاهای عمومی اش دعوت کننده و مشوق حیات عمومی باشد. فضای عمومی شهر برخلاف فضاهای محله ای باید به روی تمامی اعضای جامعه باز باشد. فضای عمومی شهر محل تعامل و معاشرت گروه های مختلف مردم می باشد. محلی است که مردمان متفاوت برخورد و معاشرت می نمایند. کسی نباید از این فضا طرد شود مگر آنکه توازن حیات ان را مورد تهدید قرار دهد. نشانه های شهری به عنوان یک عنصر خاص، نماد شاخص فضای شهری، عمل می کنند. این نشانه ها در راستای سبک ها، روش ها و اعتقادات یک اجتماع شکل می گیرند و می توانند به معرفی یک منطقه ی خاص به لحاظ تاریخی، جغرافیایی و فرهنگی و... بپردازند که در برقراری ارتباط موثر شهروندان و کسانی که به محل رفت و آمد دارند نقش مهمی دارند. یکی از عواملی که القا کننده هویت در فضاهای شهری می باشد المانهای شهری است. حال موضوع در این است که این المانها باید چه اقسام و ویژگی هایی داشته باشند تا یاد اور ان هویت شهری باشند و سبب براتگیخته شدن حس تعلق خاطر برای ساکنان باشد. رعایت مجموعه عوامل فرهنگی و اجتماعی مردمان هر منطقه در شکل دهی به هویت شهر نقش دارد.

واژگان کلیدی: المان های شهری، اقسام المان ها، فضای شهری، فضای محیطی، جامعه

بخش اول: بررسی و شناخت فضاهای شهری

فضاهای شهری بخشی از فضاهای عمومی شهری هستند، که استفاده کننده آنها مردم هستند. در این فضاها برخی رفتارهای اجتماعی و برخوردهای از پیش تعیین نشده اتفاق می افتد. که بسیاری از آن ها یادآور خاطرات ارتباطات افراد با یکدیگر و محیط است. گاهی حتی برخی از ساختمان ها و بناها شهری نشان دهنده ی این مفهوم است. چرا فضاهای شهری همیشه به عنوان عناصر ضروری در هویت یک شهر در نظر گرفته شده اند و چرا وقتی از مردم یک شهر خواسته می شود تا نقشه های ذهنی از شهرشان را ارائه دهند از میدان های عمومی و و باغ ها شروع می کنند. این مسائل نشان دهنده این است که فضاها در شهرها، توالی و تناسب آنها و شیوه ای که با هم در ارتباط هستند دارای اهمیت فرهنگی زیاد در زندگی در شهرهاست. فضاهای عمومی شهری باید به عنوان یک سیستم فضایی با اندازه های مختلف و متناسب، با کارکرد ها و معانی متفاوت بوجود آیند. (بحرینی ۱۳۸۸: ۵۳) پس فضای شهری بخش هایی از بافت شهری است « مفهومی است که در ذهن شهروندان نقش می بندد. ریچارد راجرز فضای شهری را این چنین می داند که عموم مردم به آن دسترسی فیزیکی و بصری دارند و بستری است برای فعالیت های انسان و برقراری تعاملات اجتماعی، به عنوان مثال خیابان ها، میداين و سایر مسیرهایی که دیگران حق عبور از آنها را دارند و سایر فضاهایی که دسترسی مردم در آن آزاد بوده و واسطه ای برای برقراری ارتباط با افراد جدید و کسانی است که آنها را می شناسیم یا نمی شناسیم، از جمله فضاهای شهری محسوب می شوند. (مدنی پور ۱۳۷۹: ۳۱)

به طور کلی در تعریف فضا دو رویکرد وجود دارد: نخست «تمایز ساختن فضاست»؛ بُعدی تجویزی که هنر و معماری متوجه آن است و دومی «بیان ماهیت دقیق فضاست». بُعدی توصیفی که مورد توجه فلسفه، ریاضیات و فیزیک است. [مدنی پور، ۱۳۷۹: ۵] که البته در قسمت مربوط به فضا، تعاریف و مفاهیم مرتبط با آن آورده شده و در این بخش صرفاً به فضای شهری و تعابیر مرتبط با آن می پردازیم. برای آن که این بررسی و مطالعه روندی درست و منطقی داشته باشد، بهتر است ابتدا نگاهی به تاریخ پیدایش مفهوم فضا در معماری و

شهرسازی داشته باشیم و سپس نظریات مختلفی را که در این رابطه ارائه شده‌اند، مرور کنیم، و در نهایت به یک جمع‌بندی برسیم. بررسی‌ها نشان می‌دهند که عبارت «فضای شهری» ترکیب واژه‌ای نسبتاً جدیدی می‌باشد و حتی در رابطه با معماری نیز ترکیب «فضای معماری» نسبت به قدمت تاریخ معماری، واژه‌ی قدیمی به حساب نمی‌آید. حال آن که فضای معماری و فضای شهری رابطه‌ای تنگاتنگ با هم دارند، بد نیست مروری اجمالی بر فضای معماری داشته باشیم و سپس به بحث فضای شهر پردازیم. در برداشت و تلقی از فضا در طول تاریخ معماری، سه مرحله را می‌توان مطرح کرد. در مرحله‌ی نخست که نمونه‌ی آن مصر باستان، سومر و یونان است، فضای معماری با جابه‌جایی و بازی حجم‌ها ساخته می‌شود و به فضای داخلی کم‌تر توجه شده است. در مرحله‌ی دوم، که در نیمه‌ی دوم تمدن رومیان آغاز شده، فضای معماری مترادف با فضای تزیین شده‌ی داخل ساختمان است. مرحله‌ی سوم، در آغاز قرن بیستم شکل گرفت که با برجیدن دید منفرد پرسپکتیوی که منجر به انقلابی بصری شد، درک و استنباط ما از فضای معماری و شهری، به مثابه‌ی پذیرفتن و ستایش از کیفیت‌های ساختمان‌های منفرد و مجزای ساطع‌کننده‌ی فضا، و همچنین یافتن قرابتی با مرحله‌ی نخستین و باستانی درک فضا از نتایج بنیادی این تحول بود. [مدنی‌پور، ۱۵-۱۳۷۹] اما مطالعه‌ی تاریخ شهرسازی نشان می‌دهد که موضوع فضای شهری در عهد باستان در سازمان فضایی شهر، نتیجه‌ی عمل اجتماعی - سیاسی در قلمرو عمومی بوده است. هابرماس ریشه‌های تاریخی و مکانی حوزه‌ی عمومی را درون سالن‌ها و مجامع عمومی بحث‌های آزاد و علنی قرن هجدهم جست‌وجو و پی‌گیری می‌کند. این مفهوم از اواخر قرن هجدهم دگرگون شد و با گسست مفهوم زندگی عمومی و پیشی گرفتن نهادهای اقتصادی از دیگر نهادها، موضوع جدایی سوژه، ابژه و فرم و عملکرد، مفهوم فضای شهری را دگرگون ساخت. در قرن بیستم با جنبش مدرن (تکیه بر عملکردگرایی)، منطقه‌بندی یا ZONING و انفکاک عملکردهای شهر به چهار عمل اصلی و با غلبه و تسلط ماشین، عملاً فضای شهری به دست فراموشی سپرده شد. از دهه‌ی ۶۰ قرن بیستم، با نظریه‌ی فرهنگ گراها، فضای شهری جزئی از ساخت شهر به شمار آمد و کلیتی پیوسته یافت، که از حیث فیزیکی دارای بدنه‌ی محصور بود و فعالیت‌های شهر در آن استقرار یافت.

فضای شهری نیز به عنوان بخشی از ارگانسم زنده شهری با شرایط اجتماعی و اقتصادی مرتبط دیده شد و دارای محیطی اجتماعی شد که در بردارنده ی روابط میان مردم بود. [باقری، ۱۳۸۵:۶۴] اما تعاریف نقل شده در مورد فضای شهری نیز از منظرهای گوناگون ارائه شده اند که کاملاً وابسته به جهان بینی ارائه کنندگان این تعاریف است. بعضی از این تعاریف، یا بهتر است بگوییم اکثر این تعاریف، صرفاً کالبدی بوده و بعضی دیگر به مباحث غیرکالبدی نیز توجه کرده اند، که در این جا نمونه هایی از این تعاریف آورده شده اند. راب کریر درباره ی تعریف مفهوم و فضای شهری چنین می گوید: «اگر بخواهیم مفهوم فضای شهری را بدون تحمیل معیارهای زیباشناختی روشن کنیم، ناگزیریم فضاهای بین ساختمان ها را در شهرها و دیگر مکان ها، فضای شهری قلمداد کنیم. این فضا از نظر هندسی با نمادهای گوناگون محصور می شود. فقط وضوح ویژگی های هندسی و کیفیت های زیباشناختی آن است که به ما اجازه می دهد، آگاهانه فضای باز بیرونی را فضای شهری تلقی کنیم. فضای باز بیرونی به منظور تحرک در هوای آزاد و با تقسیمات عمومی، نیمه عمومی و خصوصی تعریف می شود» [کریر، ۱۳۸۳:۱۵] که در این تعریف، بیش ترین تأکید بر کیفیت کالبدی ست. زوکر فضای شهری را ساختاری سازمان یافته، آراسته و واجد نظم به صورت کالبدی برای فعالیت های انسانی و استوار بر قواعد معین و روشن می داند؛ که این قواعد عبارت اند از: ارتباط میان شکل و بدنه ی ساختمان های محصور کننده ی هم شکل و یکدست، با متنوع بودن آن ها، ابعاد مطلق بدنه ها نسبت به پهنا و درازای فضایی که در میان گرفته شده، و زاویه ی گذرها یا خیابان هایی که به میدان می رسند، و سرانجام موقعیت و محل بناهای تاریخی، آب نماها و فواره ها یا عناصر سه بعدی دیگر که می توان بر آن ها تأکید کرد. بر اساس خصوصیات مورد نظر زوکر، تعریف دیگری نیز ارائه شده است مبنی بر این که فضای شهری فضایی ست که در آن ارتباطات ویژه ی بصری و حرکتی در فضایی با خصوصیات مورد نظر در تعریف زوکر، موجد فضای شهری ست. [توسلی، بنیادی ۱۳۷۱:۱۸] که در این تعاریف نیز بیش تر بر روی ابعاد کمی و کالبدی فضا تمرکز شده است و جایگاه انسان به عنوان مهم ترین عامل استفاده کننده از فضا و ابعاد کیفی و معنوی فضا مورد غفلت واقع شده است. برونو زوی فضا را ذات معماری می داند

و از همین تعریف برای فضای شهری پیروی می‌کند و چنین بیان می‌کند: «جایی که خیابان‌ها، میدان‌ها، پارک‌ها، زمین‌های بازی و باغ‌ها همگی فضاهایی خالی‌اند که محدود شده‌اند یا طوری تعریف شده‌اند که فضایی محصور پدید آورند، این همان فضای شهری‌ست.» [مدنی‌پور، ۱۳۷۹: ۱۰] که باز در این تعریف هم بر عناصر کاملاً مادی فضا تأکید شده و بُعد معنوی و کیفی فضا و انسان مورد غفلت قرار گرفته است. برخی نظرات، فضای شهری را فرآیندی اجتماعی - مکانی می‌دانند که تمام ساختمان‌ها، اشیاء، فضاهای محیطی و شهری و نیز افراد، رویدادها و روابط میان آن‌ها را در بر می‌گیرد. [نقی‌زاده، ۱۳۸۴: ۱۷۶] مثلاً کول کوهن عبارت فضای شهری را این گونه تعریف می‌کند: فضای اجتماعی و فضای ساخته شده و مصنوع. فضای اجتماعی «تداعی فضای نهادهای اجتماعی» است که مورد مطالعه‌ی جامعه‌شناسان و جغرافی‌دانان است. اما آنچه مورد توجه معماران است، مورفولوژی فضا است؛ طریقی که فضا بر ادراک ما اثر می‌گذارد و شیوه‌ی به کارگیری فضا و معنایی‌ست که از آن می‌توان استخراج کرد. به گفته‌ی کول کوهن، این دیدگاه به دو رویکرد می‌انجامد: آن که فرم‌ها را مستقل از کارکرد می‌بیند، و آن که کارکردها را تعیین‌کننده‌ی فرم‌ها می‌داند و در ارتباط متقابل فرم و کارکرد است که دیدگاه دوم به رویکرد جغرافی‌دانان و جامعه‌شناسان نزدیک است. [مدنی‌پور، ۱۳۷۹: ۵-۱۵] یا در همین راستا، فضای شهری این گونه تعریف شده که فضای شهری بخشی از «فضاهای باز عمومی شهرها هستند که به نوعی تبلور ماهیت زندگی جمعی می‌باشند؛ یعنی جایی که شهروندان در آن حضور دارند. فضای شهری صحنه‌ای است که داستان جمعی در آن گشوده می‌شود» [کار، ۱۹۹۲ به نقل از پاکزاد ۱۳۸۵: ۸۱] و یا «در این فضا فرصت آن وجود دارد که برخی مرزهای اجتماعی شکسته شود و برخوردهای از پیش تدوین نیافته به وقوع پیوندد و افراد در یک محیط اجتماعی جدید با هم اختلاط یابند.» [لینچ: ۱۹۷۲ به نقل از پاکزاد ۱۳۸۵: ۸۱] که در این تعاریف علاوه بر ابعاد کالبدی فضا، به نقش انسان نیز در تعریف فضای شهری توجه شده، ولی باز هم از ابعاد معنوی و کیفی فضا غفلت شده است. در تعریف دیگری از فضای شهری، چنین آمده است: «فضای شهری به مفهوم صحنه‌ای‌ست که فعالیت‌های عمومی زندگی شهری در آن‌ها به وقوع می‌پیوندد. خیابان‌ها،

میدان‌ها و پارک‌های یک شهر فعالیت‌های انسانی را شکل می‌دهند.» [بحرینی: ۱۳۸۸:۳۱۳] در این تعریف نیز اولاً برای فعالیت‌های عمومی تعریف درستی ارائه نشده، و ثانیاً فضاهای شهری محدود به سه حیطه‌ی خیابان، میدان و پارک شده‌اند. در حالی که ما فضاهای شهری دیگری نیز در شهرهای خودمان داریم که در آن‌ها فعالیت انسانی صورت می‌گیرد و در زمره‌ی این تقسیم‌بندی قرار نگرفته‌اند، مانند: بازارها، حسینیه‌ها، تکیه‌ها، میدانچه‌های محلی و... یا در تعریف دیگری چنین آمده است که «فضای شهری مکان اصلی وقایع و حوادثی است که نقشی خلاق در پیوند امروز یا فردا را سامان می‌دهد. فضای شهری مکان آمد و شد میان گذشته، حال و آینده است. این فضا در بر گیرنده‌ی چهار عنصر اساسی: ساکنان یا عابران، عناصر انسان ساخت (کالبدی یا فعالیتی)، روابط (میان افراد و عناصر یا میان عناصر) و زمان می‌باشد. [حبیبی و مقصودی، ۱۱-۱۰: ۱۳۸۲] این تعریف اگرچه نسبت به تعاریف دیگر جامع‌تر می‌باشد، چرا که به انسان و زمان نیز در کنار دیگر عناصر در شکل‌دهی فضای شهری توجه کرده، باز هم از ابعاد کیفی فضا غفلت کرده است. بعضی از تعاریف نیز فضایی را که دارای تعاملات اجتماعی باشد، فضای شهری می‌دانند؛ به طوری که سه شاخصه‌ی باز بودن فضا، عمومی بودن فضا و برقراری تعاملات اجتماعی در فضا را سه شاخص ضروری و توأمان فضای شهری معرفی می‌کنند. [پاکزاد، ۱۳۸۵: ۸۰] که با این تعریف بعضی از فضاهای شهری ما، از قبیل ورودی‌ها و پله‌های دسترسی شهری حذف می‌شوند. به نظر می‌رسد که این تعریف با فرهنگ مردم ایران و فضاهای آن‌ها هماهنگی کامل نداشته باشد. در بعضی از تعاریف نیز فضای شهری را جایی دانسته‌اند که دارای ارزش باشد [ر.ک: توسلی، ۱۳۸۹: ۴۱] که این تعریف نیز می‌تواند دارای نواقصی باشد، از جمله این که مفهوم ارزش کاملاً مشخص و تعریف شده نیست. بعضی نیز در رابطه با همین تعریف ارائه شده، تعریفی دیگر از فضا را ارائه می‌دهند، به این ترتیب که معتقدند «شاید بهتر باشد که با اندکی تسامح، فضا مفهومی خنثی تلقی شود که ارزش‌های ادراکی و فرهنگی و معنوی و هویتی آن، مقام و منزلتش را به عنوان صفت (مطلوبیت، معنویت، انسانی بودن، هویت داشتن، زیبایی، کیفی بودن و...) تعیین نماید.» [نقی‌زاده، ۱۳۸۶: ۱۷۱] تعبیر دیگری نیز می‌تواند از مفهوم فضای شهری ارائه شود و آن مفهوم، در

حقیقت ادراکی ست که انسان با توجه به جمیع جهات از یک شهر در ذهن خویش دارد. این مفهوم به عنوان هویت معنایی و معنوی و ادراک معنایی و ذهنی انسان از شهر مطرح می‌باشد که مشتمل بر ویژگی‌ها و اتفاقات و فعالیت‌ها و آداب و هنجارهایی ست که در کلیت شهر به عنوان یک واحد می‌گذرد. به این ترتیب، مجموعه‌ای از ذهنیات و اتفاقات تاریخی، وقایع، انتظارات و خاطرات که می‌توانند کلیات فضای شهر را به عنوان یک پدیده تعریف کنند، به نحوی فضاهای جزئی در شهر و یا آنچه را که تاکنون فضای شهری نامیده شده است، تحت تأثیر قرار می‌دهند. [نقی‌زاده، ۱۳۸۶: ۱۷۲]

بخش دوم: بررسی و شناخت المان‌های شهری

به نظر می‌رسد انسان در میان تمامی موجودات، گونه‌ای است که به شدت میل به معناسازی دارد، و معنا را از طریق نشانه‌ها دریافت می‌کند معمولاً از طریق نشانه‌ها ست که می‌تواند بیانده‌شد به وجود آورد به تعبیری نشانه‌ها از تولید و تفسیر به شکل کلمات، تصاویر، اصوات، بوها، طعم‌ها، حرکات و اشیاء ظاهر می‌شوند. اما، این چیزها ذاتاً معنی دار نیست و فقط دلالت‌گر هستند وقتی که معنایی به آنها منصوب شود تبدیل به نشانه می‌شود. هیچ چیز نشانه نیست مگر این که به عنوان ارجاع‌دهنده، یا اشاره‌گر به چیزی غیر از خودش تلقی شود. در این صورت می‌تواند نشانه باشد. درک نشانه‌ها به طور کاملاً ناخودآگاه از طریق ارتباط دادن آن‌ها با نظام‌های آشنایی از هنجارها و قراردادهای اجتماعی تحقق می‌یابد. این استفاده معنادار از نشانه‌ها است که در کانون اهمیت نشانه‌شناسی قرار دارد (چندلر، ۱۳۸۶: ۴۵): بدین ترتیب، هر نشانه به یک واحد اطلاعات اشاره و دلالت دارد. پیکربندی نشانه‌ها در کنار یکدیگر نیز دارای معنی است. الگوهای اولیه که به بررسی ساختار نشانه پرداخته‌اند، متعلق به زبان‌شناس سوئیسی فردینان دو سوسور و فیلسوف آمریکایی چالرز سندرز پیرس، می‌باشد. کماکان الگوهایی که سوسور و پیرس از مفهوم نشانه مطرح کرده‌اند، اعتبار بنیادی خود را حفظ کرده و مبنای تحولات بعدی شده است. لذا المانهای شهری از اجزای مهم مبلمان شهری می‌باشد که میتواند در ارتقای حس مکان و هویت شهروندان تأثیر بسزایی داشته باشد. المان و یا

نماد شهری ترکیبی است، پیکره وار که در ساخت آن از ویژگیهای درونی احجام و اشکال هندسی، سازها و به طور کلی هر آنچه میتواند جنبه ی تزئینی و ساختمانی داشته باشد استفاده میشود. این ترکیب دارای یک نظام هندسی و تعادلی پایدار و زیباست به گونه ای که پس از خودنمایی در سطح شهر افراد را به خود جذب مینماید و به صورت سمبلیک مشخصهای برای شناخت شهر در نظر گرفته میشود. المان های شهری پس از جذب و پذیرش شهرنشینان جزء شاخص های اصلی می شوند. المان های شهری خود انواع مختلفی دارند که عبارتند از : ۱- المانهای نمایشی، ۲- المانهای بیانی، ۳- المانهای عملکردی و ۴- المانهای ترکیبی که میتوانند به صورت تلفیقی از دو یا حتی هر سه نوع شکل موجود باشند.(۶-۱۳۹۲: بارانی)

بخش سوم: جایگاه اجتماعی و محیطی هویت شهری

در فرهنگ فارسی معین نیز سه معنی عام و یک معنی خاص فلسفی برای واژه هویت ذکر شده است : ۱. ذات باری تعالی ۲. هستی، وجود ۳. آنچه موجب شناسایی شخص باشد. هویت، شناسنامه ۴. در (فلسفه) هویت به حقیقت جزئی تعریف شده است. یعنی هرگاه ماهیت با تشخیص لحاظ و اعتبار شود هویت گویند و گاه هویت به معنی وجود خارجی است و مراد تشخیص است و هویت گاه بالذات و گاه بالعرض است. یکی از نیازهای اجتماع انسانی احساس امنیت و حس تعلق است. در این راستا هویت و عناصر هویتی در زندگی انسان موجب آرامش و ایجاد اعتماد به نفس و میل به داشتن تلاشی مستمر همراه با احساس امنیت می شود. هویت یک شهر را می توان از جنبه های مختلف کالبدی و طبیعی انسانی - و اجتماعی تاریخی و اقتصادی بررسی نمود و در واقع شکل گیری هویت شهری تحت تاثیر فرهنگ، شکل طبیعی و کالبد مصنوع شهر قرار دارد. هویت از فرهنگ، سابقه تاریخی، خاطرات جمعی، نوع و ماهیت فناوری ساخت، عملکردها، نشانه ها، فرم ها و نمادهای شهری و ویژگی های بصری و کالبدی ادراک می گردد. هویت مکان از ارزش های فردی و جمعی نشأت می گیرد و با گذر زمان عمق، گسترش و تغییر می یابد.. (پاکزاد ۱۳۸۹-۶۳) به طور کلی چهار بعد اساسی که نمایانگر هویت کلی شهر می باشد را می توان به شرح زیر طبقه بندی کرد:

بعد اول: هویت محیطی، اکولوژیک محیط طبیعی با ویژگی های خود ساختار محیطی را شکل می دهد.

بعد دوم: هویت اجتماعی فرهنگی، فرد با حضور و رشد یافتن در جمع با اخذ ویژگی های آن جامعه فرهنگ هویت جمعی آن جامعه را می یابد

بعد سوم: هویت اقتصادی، پایه های اقتصاد شهری، جایگاه شهر را در سلسله مراتب سازمان فضایی شبکه سکونتگاهی و ارتباط آن را با سایر شهرها تعریف میکند.

بعد چهارم: هویت کالبدی فضایی، بافت و ساختار و شکل شهر و ساخت اصلی به آن هویت وابسته است. به دلیل متأثر شدن از اندیشه ها، عقاید، باورها، فعالیت ها و سطح فرهنگ جامعه مهم ترین ابعاد هویتی شهرهاست. به طور کلی، هویت شهری در چارچوب فرهنگ شهری که برخاسته از رفتارهای اجتماعی در دوران تاریخ و روند رویدادهای اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و... یک شهر و کشور است، ایجاد می شود و یک محیط شهری با فرهنگ خود یک هویت شهری می سازد که می توان بیان کرد که همان طور که فرهنگ های متفاوتی بر یک جامعه و یا محیط شهری وجود دارد هویت های شهری متفاوتی نیز ممکن است در یک جامعه و محیط شهری باشد.. (پاکزاد ۱۳۸۹-۶۳)

بند اول: هویت کالبدی فضایی

بافت کالبدی و ساختار مکانی فضایی شامل انتظام عوامل کالبدی در شهر و سلسله مراتب شبکه معابر است که از مهم ترین ابعاد هویتی فضاهای شهری -را شکل می دهد زیرا شکل گیری بافت کالبدی فضاهای شهری متأثر از اندیشه ها، باورها، فعالیت ها و سطح فرهنگ جامعه است. واقعیت این است که بافت کالبدی امکان بازشناسی هویت شهری را به صورت بصری فراهم می کند و به همین دلیل از میان سایر ابعاد هویتی اهمیت بیشتری دارد.. (پاکزاد ۱۳۸۹-۶۵)

بند دوم: هویت بصری

این نوع از هویت ارزش های زیباشناختی در شهر و کیفیت فضایی و امکان ادراک و موقعیت و جهت یابی را شامل می شود. اگر فردی در شهر وارد شود و او بعد از دیدن بخشهای مختلف شهر بتواند به خوبی بخش هایی از شهر را توصیف کند و در ذهن او باقی بماند آن فضاها را شهری نمایانگر هویت بصری خواهند بود.. (پاکزاد ۱۳۸۹-۶۵)

بند سوم: هویت شناختی

هویت شناختی کیفیت و کمیت اطلاع از فضای شهر و نمادها و نشانه های شهری و ارزش های تاریخی و فرهنگی را نشان میدهد. عناصر هویتی هر کدام در شب و روز مفهوم خاصی را به ما می دهد و باید آن چنان خوانایی وضوح داشته باشد که هویت بخشی به شهر را در هر دو زمان حفظ کند. (پاکزاد ۱۳۸۹-۶۵)

بخش چهارم: انواع و اقسام المان های شهری

المان ها خود به سه نوع تقسیم می شوند: نمایشی، بیانی، عملکردی که در ذیل به طور خلاصه به بیان ویژگی های هر نوع می پردازیم:

الف) ویژگی های المان های نمایشی

المانهای نمایشی همانگونه که از اسم شان بر میآید صرفاً جنبه ی نمایشی - هنری و زیبایی دارند - مفهوم خاصی را اصولاً بیان نمی کنند و هدف و رسالتی برای القاء مطلبی به بیننده و یا انتقال پیامی به وی را ندارند. ترکیباتی هستند انتزاعی از برخورد توده ها - احجام - اجزاء سازه ای و صفحات (به نوعی بازی با خط و حجم و صفحه با توجه به ویژگی های هندسی و روابط درونی آنها) که تنها به لحاظ ویژگی های زیبایی شناسانه و تعادل بصری و هنری میتوانند با گروهی خاص از انسانها ارتباط برقرار کنند. این خاص بودن مخاطب از ویژگی های منحصر به فرد یک المان نمایشی می باشد. یعنی در هر مخاطبی احساس تعلق و تأمل را بوجود نمی

آورد لذا به دلیل نوع مخاطبین آن که طبعاً افرادی هستند که بیشتر درگیر مسائل هنری اند و تعادلها و نظامهای هندسی را می شناسند و در مورد سبکهای هنری و هنر مفهومی و انتزاعی مطالعه دارند. اینگونه المانها در سطح شهر ها کمتر دیده میشوند و مکان استقرار آنها نیز طبعاً گالریهای هنری - نمایشگاههای آثار هنری و به طور کلی مکانهایی میباشد که مخاطب خود را پیدا کنند. (اقازاده: ۱۳۸۵:۸۷)

- برخورداری از جنبه نمایشی، هنری، زیبایی.
- عدم برخورداری از مفهومی خاص.
- دارای مخاطب خاص.
- کاربرد کمتر در سطح شهر.
- کاربرد بیشتر در نمایشگاه های هنری و گالری های نمایشی و...

ب) ویژگی های المان های بیانی

همانطور که از نام آن پیداست هدف طراح از خلق این اثر بیان مطلب خاصی می باشد. به عبارت دیگر قطعاً مفهومی در پس آن نهفته است و طراح اثر رسالتی را در انتقال پیامی خاص دنبال میکند. حال این میتواند ثبت واقعه ای خاص در مکان مورد نظر باشد و یا مفهومی خاص را با توجه به نام و ویژگی های منطقه به بیننده القا کند. ویژگی بسیار مهم المانهای بیانی در عام گرایی آنهاست یعنی میبایست بتوانند با مخاطب عام و عادی که از هنر سر رشته ی چندانی ندارد نیز ارتباط برقرار کند و لذا دقت نظر طراح در خوانایی و شیوایی بیان مطلب در عین انتزاعی بودن فرم ها و استفاده از آرایه های معمارانه (که بیشتر در مورد آن گفته شد) از اهمیت والایی برخوردار است. مکان قرار گیری این نوع المانها طبعاً برای برقراری ارتباط بیشتر با مخاطبین وسیع تر در جامعه در سطح شهر و بویژه در میادین شهری است. معمولاً المان مورد

نظر با نام میدان یا منطقه ی شهری مورد نظر ارتباط دارد. ویژگی مشترک این نوع المانها و المانهای نمایشی تنها در به کار گیری نظامی مشترک برگرفته از هندسه - آرایه ها - اشکال و احجام هندسی و تلفیق و ترکیب آنها به شکلی زیبا و نظام مند است حال آنکه به این ترکیبات تعادلی و بصری در این مرحله عنصر مفهوم و بیان موضوع را نیز اضافه میکنیم. اما کاملاً انتزاعی - غیر مستقیم و در لفافه.



شکل ۱-۲- میدان ضد مشهد در حال حاضر تخریب شده

- - با بیان مطلبی خاص طراحی می شوند.
- - بازگوکننده رویداد تاریخی، فرهنگی و یا ویژگی های منطقه و مردمان
- - دارای مخاطب عام می باشد.
- - کاربرد گسترده تری در سطح شهر بخصوص میدین شهری و گره های شهری (افزاده: ۱۳۸۵:۸۸)

ج) المان های عملکردی

این نوع از المان تا حدی از تعاریف فوق فاصله میگیرد چرا که عنصر عملکرد برای ما محدودیتهایی به لحاظ قوانین فرمی ایجاد خواهد نمود و در این مرحله خلق فضا با استفاده از همان آرایه ها و عناصر بصری را خواهیم داشت. فضایی که انسان ولو برای مدتی درون آن و یا در اطراف آن استقرار می یابد و از آن عملکرد استفاده می نماید لذا میبایست اصول و قوانین زیستی انسان و استانداردهای طراحی محیط زیست در آنها رعایت شود. طراحی چنین فضاهایی نیاز به تحقیقات بیشتر و همچنین یک برنامه ی فیزیکی مدون دارد. عبارت دیگر برای طراحی اینگونه فضاها طراح ملزم به دانستن یک سری از نیازهای خاص انسان در ارتباط با ثابتها و استانداردهای بدنی و نیازهای انسانی برای استفاده ی بهینه از موضوع مورد طراحی میباشد. ویژگی دیگر اینگونه المانها در تعداد بیشتر آنها در سطح شهر ها میباشد. چرا که عنصر عملکرد ایجاب میکند در هر مکانی که نیاز به موضوع مورد نظر باشد نمونه ای از آن وجود داشته باشد به طور مثال ایستگاههای اتوبوس - مترو - کیوسکهای تلفن - دکه های روزنامه فروشی - سردرها و مکانهای خدمات و اطلاع رسانی در سطح شهر ها و همچنین انواع چراغها و تاسیسات خاص شهری در صورتیکه موارد فوق دارای طراحی قوی - منحصر به فرد - شاخص و با استفاده از اجزاء و نظامهای هندسی و بصری که بیشتر ذکر آن رفت توسط متخصصین و هنرمندان ساخته شوند. ویژگیهای بصری و هنری باز هم اولین عامل در بازشناسی

یک اثر ماندگار است. در صورتیکه یک سازه ی عملکردی دارای زیبایی و نظام هنری باشد میتواند برای هر شهر به سبک خود طراحی شده و با سایر شهرها متفاوت باشد (مثلا بگوئیم در فلان شهر ایستگاههای اتوبوس یا دکه های روزنامه فروشی به این شکل ساخته شده اند و این خود یکی از ویژگی ها و شاخصه های آن شهر میشود) از این نظر و به دلیل گستردگی تعداد المانهای عملکردی در سطح شهرها و سطح وسیعتری از مخاطبین که پوشش میدهند میتوانند نشان از اهمیت و موقعیت خاص این نوع از المانها داشته و مسئولیت دقت نظر بیشتری را از متولیان زیبا سازی و برنامه ریزی شهرها می طلبد. مکان قرار گیری این نوع المانها در سطح شهرها و هر جا که انتظار کاربری مورد نظر میرود میباشد و متناوبا به چشم می خورد. هر گونه برج یا آسمان خراش منحصر به فرد چه به لحاظ معماری و چه به لحاظ ارتفاع و یا اهمیت منطقه ای میتواند نقش یک المان عملکردی را ایفا کند به شرطی که در منطقه ی مورد نظر تک و شاخص باشد مانند



شکل ۲-۲- برج مخابراتی میلاد در تهران

- - خلق فضا با استفاده از آرایه ها و عناصر بصری
- - الزام به داشتن اطلاعات ویژه از منطقه مذکور قبل از ایجاد چنین فضایی
- - استفاده گسترده تری نسبت به المان های بیانی در سطح شهر
- - دارای مخاطب بیشتر نسبت به المان های بیانی و نمایشی
- - دارای سبک های بیشمار در هر شهر (اقا زاده: ۱۳۸۵:۸۸:۸۷)

نتیجه گیری

در نتیجه گیری پایانی این مقاله باید گفت المان های شهری باید به گونه ای طراحی شوند که هم در عملکرد های متفاوت و هم در زیبایی و جهات دیگر موثر واقع شوند. المان ها می توانند مانند هر عنصر شهری در سیمای منظر شهری نقش مهمی داشته باشند و با مخاطب خود ارتباط برقرار کنند، که این امر نیازمند به برنامه ریزی و طراحی دقیق، داشتن اطلاعات کامل از ویژگی های اقلیمی، فرهنگی، آداب و رسوم و... منطقه می باشد، که در صورت رعایت این نکات، المان های شهری میتوانند در عملکرد خود موفق شوند و هویت شهری را به نحو احسن به اجرا گذارند. با توجه به اینکه یکی از اهداف المان ها اطلاع رسانی و معرفی منطقه از نظر فرهنگی، اجتماعی، جغرافیایی و خصوصیات مردم منطقه است، همه ی این موارد می توانند در برقراری ارتباط موثر تر با مردم و مخاطبین کمک کنند. اما علاوه بر، برقراری ارتباط با مخاطبین می تواند نقش مهمی در زیبایی سیمای شهر داشته باشد، زیرا قسمت های مختلف شهر را تحت تاثیر قرار داده و از یکنواختی خارج می کند و به نوعی با ایجاد این نشانه در قسمت های مختلف شهر، هر قسمت ویژگی منحصر به فرد می یابد و به غنای شهر کمک خواهد کرد. لازم به ذکر است که در طراحی این نشانه های شهری باید به جزئیات نیز، توجه شود از قبیل رنگ، سبک نورپردازی، جنس مصالح به کار رفته، جانمایی، مقیاس، دوام، ایمنی کافی، انعطاف پذیری، داشتن صرفه اقتصادی و...، برای مثال مکان قرارگیری و جانمایی نمادها از

اهمیت ویژه ای برخوردار است، که یکی از عوامل مهم تعیین میزان تاثیر گذاری در ذهن افراد می باشد به عنوان نمونه ایستگاه های اتوبوس که یکی از مهم ترین اجزای المان های شهری می باشند باید به گونه ای طراحی شوند که شهروندان را به استفاده از حمل و نقل عمومی راغب نماید و دید مناسبی به اطراف داشته باشد. المان ها با هر سبک و سیاقی که دارند می توانند حاوی اطلاعات زیادی باشند که با این ویژگی تاثیر زیادی بر حیات کالبد معماری و شهرسازی شهرها می گذارند و به نوعی شناسنامه و زبان ناطق هر شهر می شوند که می توانند موجب متمایز شدن شهرها از یکدیگر شوند.

منابع و مآخذ

- ۱- انصاری ابراهیم، ۱۳۹۰، جامعه شناسی شهری، چاپ اول، تهران، انتشارات جامعه شناسان
- ۲- ربانی رسول، ۱۳۸۱، جامعه شناسی شهری. دانشگاه اصفهان. انتشارات سمت
- ۳- اقا زاده احمد، ۱۳۸۵، اصول و قواعد حاکم بر فرایند تربیت شهروند و ویژگی های این گونه آموزش ها در کشور ژاپن
- ۴- اولیا، محمد رضا، پیشنهاد مدلی برای ترسیم گره در ترینات وابسته به معماری اسلامی، پاییز ۱۳۹۴، نشریه ی معماری و شهر سازی شماره ۱۵،
- ۵- باقری شیدا، ۱۳۸۵ [عرصه های عمومی - عرصه های فراموش شده ی شهری. کتاب هویت شهر های جدید ایران. شرکت عمران شهر های جدید
- ۶- بارانی هانیه، ۱۳۹۲، نقش هویت در فضاها ی شهری سایت، سیویلیکا
- ۷- بحرینی، سید حسین، ۱۳۸۸، فرایند طراحی شهری. تهران چاپ دوم وزارت مسکن و شهر سازی
- ۸- بیکن، ادموند، ۱۳۷۵ طراحی شهرها، ترجمه ی فرزانه طاهری، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات شهر سازی و معماری ایران
- ۹- بهادران، سجاد، ۱۳۹۲، بررسی المان های سطح شهر کرد بر روی جا به جای دیواره ، همایش ملی مهندسی عمران کاربردی، قابل دسترسی در سایت سیویلیکا
- ۱۰- بحرینی سید حسین، ۱۳۸۸، کتاب شهر سازی معاصر ناشر انتشارات دانشگاه تهران
- ۱۱- بمانیان علی، ، ۱۳۸۹ مقاله هنر در شهر سازی. اولین کنفرانس بین المللی معماری شهر سازی دانشگاه خوارزمی

- ۱۲- بهزاد فر مصطفی، ۱۳۸۷، محیط های پاسخ ده، ناشر انتشارات دانشگاه تهران
- ۱۳- پاکزاد جهانشاه، ۱۳۸۹، مبانی نظری و فرایند طراحی شهری، چاپ اول وزارت مسکن و شهرسازی
- ۱۴- پاکزاد جهانشاه، ۱۳۸۴، راهنمایی طراحی فضاهای شهری تهران، چاپ سوم وزارت مسکن و شهرسازی
- ۱۵- پور جعفر رضا، ۱۳۸۹، مقاله ی هویت شهری در معماری اسلامی قابل دسترس در سایت سیویلیکا
- ۱۶- پیرنیا محمد کریم، ۱۳۷۴، مکتب معماری اصفهان، ناشر انتشارات دانشگاه خواجه نصیر
- ۱۷- توسلی محمود، بنیادی ناصر، ۱۳۷۱، طراحی فضای شهری جلد اول تهران. مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران
- ۱۸- توسلی، محمود، ۱۳۷۶، اصول و روشهای طراحی شهری و فضاهای مسکونی در ایران، جلد اول، چاپ ۴، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی ایران
- ۱۹- تیبالزر، فرانسیس، ۱۳۸۱، شهر سازی و شهروند گرایی، ترجمه ی محمد احمدی نژاد، اصفهان، انتشارات خاک
- ۲۰- تولایی علی، ۱۳۸۶، کتاب مبانی شهر سازی، انتشارات دانشگاه پیام نور